

مغالطات

مغالطات؛ علی اصغر خندان؛ تهیه‌کننده پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگر فلسفه و کلام اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱، ۳۸۳ صفحه.

مقدمه

امروزه گروه‌های مختلف با علایق متفاوت تلاش می‌کنند تا مخاطبان بیشتری به دست آورند. بدین منظور از ابزارهای تبلیغی مختلف از قبیل مطبوعات، کتاب، تلویزیون، اینترنت و ... بهره می‌برند. هر چه ابزار عرضه تفکر پیچیده‌تر باشد، شناخت خطا و درستی تفکر نیز پیچیده‌تر خواهد بود. در نتیجه اهمیت منطق کاربردی و شناخت انواع مغالطه هم بیشتر می‌شود.

شاید مهم‌ترین کار ارسطو، دانای یونان، کشف، تنسیق و تدوین قوانین و قواعد حاکم بر تفکر باشد؛ یعنی همان مجموعه‌ای که نام ارغنون بر آن نهاده شد و ارسطو مدعی شد که رعایت آنها، موجب راه‌نیافتن خطا در تفکر است. آدمی چه منطق‌دان باشد و چه از منطق و قواعد آن بی‌خبر، به طور طبیعی بر اساس قواعد خاصی تفکر و استدلال می‌کند و از قوه تفکر که خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته است، در مواجهه با دیگران بهره می‌برد، اما این یک روی سکه است. روی دیگر آن است که چه سازوکاری پیش روی بشر وجود دارد تا بتواند از نیروی تفکر خود به خوبی استفاده یا اساساً از راهیابی خطا در تفکر جلوگیری کند؟ گرچه منطق از آن نظر که چگونه استدلال کردن را به بشر می‌آموزد و به او انواع استدلال و استنتاج را تعلیم می‌دهد بسیار مهم است، اما شاید فایده دیگر آن، که جلوگیری از راه‌یافتن مغالطه؛ یعنی خطای در استدلال است مهم‌تر باشد.

با توجه به اهمیت منطق در زندگی، ابتدا به ارائه تعریفی از منطق می‌پردازیم. سپس تعریف و انواع مغالطه بیان می‌شود. در ادامه نوشتار نمای کلی از اثر حاضر پیش‌روی خوانندگان قرار می‌گیرد و در نهایت نکاتی در مورد کتاب گفته ذکر می‌شود.

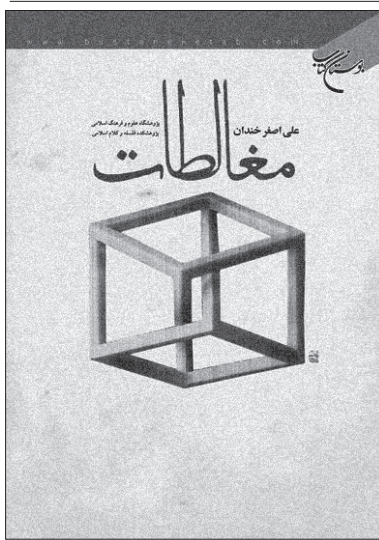
منطق در یک سطر این‌گونه تعریف می‌شود: «منطق ابزاری علمی است که به‌کارگیری آن ذهن انسان را از خطای در تفکر باز می‌دارد». یکی از نکات بسیار مهم در تعریف منطق، ابزار دانستن آن است. آنچه در مورد ابزار باید بدانیم، آشنایی

و استفاده صحیح از آن است تا ما را به غرض مان برساند. نمی‌توان نام ابزار بر چیزی نهاد و بر این تصور بود که کسی به فکر استفاده از آن نباشد، بلکه همگان تنها در پی شناختن خود آن ابزار باشند.

گفتیم که منطق ابزاری است برای اجتناب از خطای در اندیشه، اما باید دانست که مشکل دانش منطق این است که حیثیت ابزاری آن یا به دست فراموشی سپرده شده یا مورد خلط و اشتباه قرار گرفته است. به این ترتیب که منطق‌دانان به جای تعیین چگونگی استفاده بهتر از این ابزار، تمام تلاش خود را مصروف شناخت هر چه دقیق‌تر آن کردند و درباره ابواب، فصول و مباحث گوناگون آن به موشکافی پرداختند. منطق دارای هر دو بعد معرفتی و مهارتی هست و شخص باید از هر دو جنبه بهره‌ای داشته باشد تا از آنها فایده ببرد.

تعریف مغالطه و طبقه‌بندی انواع آن

محدودترین تعریف مغالطه آن است که گفته‌اند: «قیاسی است مرکب از وهمیات یا مشبهات». در تعریف عام‌تر، مغالطه منحصر به استدلال نیست، بلکه به طور کلی شکل غیرمعتبری از استدلال دانسته شده است. در عام‌ترین تعریف، گاهی عنوان مغالطه حتی به



دیگر منابع فارسی، انگلیسی و عربی، تعداد مغالطات و مثال‌های کاربردی جدیدی برای هر مغالطه بیفزاییم که به طور نسبی در این امر توفیق یافتیم؛ زیرا از سویی تعداد مغالطات از حدود شصت و اندی مورد در کتاب مذکور به یکصد مغالطه بالغ گردید و از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حال و هوای ترجمه‌بودن کتاب به حداقل رسید و غالب مطالب کتاب با مثال‌های جدید و در فضای فکری-فرهنگی جامعه ما بازنویسی و مغالطات زیادی نیز طراحی و به عنوان تمرین در پایان هر فصل اضافه شده است. در این کتاب از هیچ یک از شیوه‌های مرسوم در طبقه‌بندی مغالطات پیروی نشده است و به جای تقسیم‌بندی براساس علت مغالطی بودن، این کار بر حسب محل ارتکاب مغالطات صورت گرفته است.»

کتاب حاضر در هفت فصل تدوین شده است. تمامی مغالطات به پنج دسته اصلی تقسیم شده‌اند:

دسته اول مغالطاتی هستند که هنگام بیان یک قضیه ساده امکان وقوع دارند. نام این دسته، «تبیین مغالطی» است و در فصل اول به آن پرداخته شده است. در این دسته از مغالطات نه تنها شخص در پی اثبات مدعایی نیست و برای سخن خود استدلالی عرضه نمی‌کند، بلکه صرفاً مطلبی را مثلاً در قالب یک قضیه ساده بیان می‌کند. انواع آن عبارتند از: مغالطات اشتراک لفظ، ابهام ساختاری، ترکیب مفصل، واژه‌های مبهم، اهمال سور، سورهای کلی‌نما، تعریف دوری، علت جعلی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، نمودارهای گمراه‌کننده، تصاویر یک بعدی، دروغ، توریه، نقل قول ناقص، تحریف، تفسیر نادرست، تاکید لفظی و ...

فصل دوم مربوط به مواردی است که شخص در پی اثبات مدعایی است که انتظار می‌رود برای اثبات مدعای خود، استدلال، دلیل و برهان و یا شاهد و مؤیدی عرضه کند. اگر شخص به جای عرضه استدلال منطقی از ترفندهایی استفاده کند تا مدعای خود را مستدل نشان دهد و آن را به مخاطبان بقبولاند، مرتکب این دسته از مغالطات شده است که «ادعای بدون استدلال» نامیده شده‌اند. انواع این مغالطه عبارتند از: مغالطات بستن راه استدلال، مسموم کردن چاه، از راه جهل، تله‌گذاری، طلب برهان از مخالفان، طرد شقوق دیگر، تکرار، فضل فروشی، کمیت‌گرایی، توسل به احساسات، بیان عاطفی، تهدید، تطمیع، جلب ترحم، آرزواندیشی، عوام‌فریبی، توسل به مرجع کاذب و ...

دسته سوم از مغالطات مربوط به مواردی است که شخص در مقام نقد سخن دیگری باشد؛ یعنی سخنی را نادرست می‌داند، اما نمی‌تواند از راه‌های منطقی و با دلیل معقول، نادرستی آن سخن را نشان دهد. بنابراین متوسل به حيله‌ای می‌شود تا از آن طریق مدعای مورد بحث را غلط جلوه دهد و یا دست‌کم از میزان تأثیرگذاری و مقبولیت آن بکاهد.

چیزی در حد یک باور نادرست گفته می‌شود. باید توجه داشت که در تمام تعریف‌ها این نکته مفروض است که آگاهانه و عمدی بودن یا غیرآگاهانه و سهوی بودن، تأثیری در تعریف مغالطه ندارد. ارتکاب به مغالطه می‌تواند عمدی یا سهوی باشد و مغالطه‌ای (Fallacy) که عمدی؛ یعنی با آگاهی از عدم اعتبار انجام می‌شود، اما به ظاهر معتبر و مجاب‌کننده و در واقع فریب‌دهنده مخاطب است، سفسطه (Sophistry) نامیده می‌شود.

در کتاب‌های منطق سنتی، طبقه‌بندی رایج مغالطات چنین است:

۱. مغالطه در قیاس: بر دو قسم است. لفظی یا معنوی
۲. مغالطه در امور خارج از قیاس: مواردی همچون شرم‌نדה کردن مخاطب، ناسزاگفتن، مسخره کردن، قطع نمودن کلام او و ...

طرح بحث جدی مسئله مغالطه یا سفسطه در طول تاریخ با نام و شخصیت سوفسطاییان یا سوفیست‌ها آغاز می‌شود. آنها دانشمندانی بودند که در نیمه دوم قرن پنجم قبل از میلاد نهضت شکاکیت را به وجود آوردند. در زبان یونانی، لفظ سوفیست در اصل معنای بدی نداشت و به معنای حکیم، دانشور، معلم و استاد بود و کسی را سوفیست می‌نامیدند که تعالیمی را به مردم می‌آموخت که تقریباً در زندگی عملی به کار می‌رفت. یکی از مصادیق مهم و بارز تعالیم سوفیست‌ها، آموزش خطابه و سخنوری به ویژه در محاکم و دادگاه‌ها بود. توانایی و مهارت سوفیست‌ها در ایراد خطابه و اقناع مخاطب و نیز یافتن لغزشگاه‌های اندیشه و سوءاستفاده از مکالمات و سخنرانی‌های خود به حدی رسید که این تصور برای خود آنها پیدا شد که اصلاً حق و حقیقتی مستقل از آنچه انسان اراده می‌کند وجود ندارد.

معرفی نویسنده

دکتر علی اصغر خندان متولد ۱۳۴۸، مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته فلسفه و کلام اسلامی (پایان‌نامه: منطق کاربردی) از دانشگاه امام صادق (ع) دریافت کرد. وی از دانشگاه قم در رشته فلسفه تطبیقی (پایان‌نامه: بررسی فلسفی تطبیقی نظریه فطریات از نظر استاد مطهری و جان لاک) موفق به دریافت درجه دکتری شد. دکتر خندان آثار بسیاری تألیف و ترجمه کرده است.

نمای کلی محتوای اثر

نویسنده در مقدمه در مورد اثری که ترکیبی از ترجمه و تألیف است، این‌گونه توضیح می‌دهد:

«کتاب حاضر عمدتاً اقتباسی است از کتاب مغالطات اثر مادسن پییری^۱، اما به دلایل زیادی ترجمه لفظ به لفظ کتاب مذکور را مفید نیافتیم و لذا سعی کردم اولاً با بومی‌سازی، مطالب و مثال‌های آن را در فضای فرهنگی جامعه خود بازنویسی نمایم و ثانیاً با مراجعه به

1. Madsen Pirie, The Book of the fallacy, London, Routledge, 1985.

عناوین «مغالطات صوری»، «مغالطات ناشی از یک پیش‌فرض نادرست» و «مغالطات ربطی»، به بیش از سی مغالطه در این مورد اشاره و بحث و بررسی شده است.

مغالطات صوری عبارتند از: عدم تکرار حد وسط، وضع تالی، رفع مقدم، مقدمات منفی، مقدمات ناسازگار، افراد غیرموجود، ایهام انعکاس، سوء تألیف و ...

مغالطات ناشی از یک پیش‌فرض نادرست عبارتند از: سنت‌گرایی، عدم سابقه، تجدد، سنت‌گریزی، توسل به اکثریت، علت شمردن امر مقدم، علت شمردن امر مقارن، ترکیب، تقسیم، میانه‌روی و ...

مغالطات ربطی عبارتند از: ذوالحدین جعلی، خلط نسبت، دلیل نامربوط، مصادره به مطلوب، استدلال دوری و ...

نکاتی در مورد اثر

اهمیت و سودمندی منطق در زندگی در تعریف علم منطق نهفته است، اما در سیستم آموزشی ایران، تنها کسانی که در رشته علوم انسانی به تحصیل ادامه می‌دهند، با این علم در حد نظری و تئوری آشنا می‌شوند و دیگر هیچ اثر حاضر با قلمی روان و دسته‌بندی جالب، انواع مغالطات را به گونه‌ای بیان کرده که از دانش‌آموز دبیرستانی تا سطوح بالاتر، به روشنی آن را می‌فهمند و برای آنها کاربرد دارد.

مغالطات کتاب برگزیده دانشجویی در سال ۱۳۸۰ است که چاپ هشتم آن در سال ۱۳۹۱ نشان از مفیدبودن و پرمخاطب بودن اثر دارد و همین موضوع ما را به معرفی این کتاب تشویق کرد.

کتاب دارای مقدمه کامل و جامعی است که توصیه می‌شود قبل از مطالعه کتاب، مقدمه نویسنده نیز مطالعه شود. مطالب با مثال‌های فراوان و جالب (به دلیل بومی‌سازی مثال‌ها، به یادسپاری آنها بسیار آسان‌تر است) همراه است که تمرین‌های ارائه شده در آخر هر فصل نیز به یادگیری بهتر کمک می‌کند.

این دسته از مغالطات در فصل سوم کتاب تحت عنوان «مغالطات مقام نقد» بررسی شده است و انواع آن عبارتند از: مغالطات پارازیت، حرف مبهم شما، تکذیب، توهین، منشاء، دلیل به جای رد مدعا، ارزیابی یک‌طرفه، مناقشه در مثال، تخصیص، بهانه، سؤال مرکب و ...

پس از اینکه سخن و مدعایی بیان شد، چه درست و منطقی و چه نادرست و مغالطی و پس از آنکه فرد یا افرادی به آن انتقاد و اعتراض کردند، چه نقدهای به جا و منطقی و چه نابه‌جا و مغالطی - طبیعی است که گوینده یا نویسنده نخست، درصدد دفاع و پاسخگویی به اعتراضات برآید. البته در این موضع و مقام، شخص هم می‌تواند با رعایت اصول اخلاقی و در چهارچوب قواعد منطقی و معقول به پاسخگویی بپردازد و هم ممکن است با کنارگذاشتن این اصول و قواعد و با استفاده از ترفندها و حيله‌هایی، سعی در توجیه اشکالات و نقاط ضعف سخن اول خود و سرپوش نهادن بر جنبه‌های نادرست آن داشته باشد. دسته دیگری از مغالطات که در فصل چهارم با نام کلی «مغالطات مقام دفاع» به آنها اشاره شده است، بیانگر ترفندهای اخیر هستند. انواع این مغالطات عبارتند از: مغالطات نکته انحرافی، شوخی بی‌ربط، توسل به واژه‌های مبهم، توسل به معنای تحت‌اللفظی، تغییر تعاریف، تغییر موضع، استثنای قابل چشم‌پوشی، تبعیض طلبی، رهان‌کردن پیش‌فرض و ...

دسته پنجم از مغالطات برخلاف موارد پیشین مربوط به مواردی است که در فرآیند استدلال به معنای منطقی آن؛ یعنی در سیراز مقدمات به نتیجه، شاهد لغزش و ارتکاب مغالطه‌ای هستیم. اهمیت این دسته از مغالطات به قدری است که بسیاری از منطق‌دانان، مغالطه را استدلال غیرمعتبر تعریف کرده و صرفاً به این دسته از مغالطات پرداخته‌اند. اهمیت دیگر این دسته از مغالطات آن است که هم در مقام بیان، هم در مقام نقد و هم در مقام دفاع از یک مدعا، امکان ارتکاب چنین مغالطاتی وجود دارد. به دلیل اهمیت و گستردگی این دسته از مغالطات، در فصل‌های پنجم تا هفتم کتاب حاضر و تحت

آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی

آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی؛ نرگس خالقی و مرضیه سیامک؛ ویراست علمی؛ جیران خوانساری؛ ویراست ادبی عبدالحسین طالعی؛ تهران: نشر کتابدار، ۱۶۸ صفحه.

مقدمه

عصر اطلاعات، فراگیری مهارت‌های سواد اطلاعاتی را به ضرورتی انکارناپذیر بدل کرده است که یکی از مهم‌ترین نتایج آن یادگیری مادام‌العمر است. ارتقای سطح سواد اطلاعاتی، نقش بسزایی در ایجاد فرهنگ اطلاعاتی، بهره‌گیری صحیح از فناوری اطلاعات و در نهایت افزایش سواد ملی ایفا می‌کند.

ارتقای سطح سواد ملی، یکی از اهداف فرهنگی تمام کشورهای جهان است. واژه «سواد»، قدمتی بسیار طولانی دارد و تکامل تدریجی داشته است. «سواد» دربرگیرنده مهارت‌های مورد نیاز برای هر شخص است تا بتواند نقش مناسبی را در جامعه ایفا کند. ساده‌ترین حالت سواد، مشتمل بر توانمندی‌های کاربرد زبان است؛ بدین معنا که فرد با سواد، قادر به خواندن، نوشتن و درک زبان بومی خود باشد.

اما امروز با توجه به تغییرات و تحولات عصر حاضر، حجم وسیع اطلاعات و گستردگی و پراکندگی و تولید شتابنده دانش در حوزه‌های مختلف علم، هر فرد نیازمند فراگیری مهارت‌ها و توانمندی‌هایی فراتر از سواد سنتی است تا وی را در همگامی با این تغییرات و تحولات، به‌ویژه در بهره‌گیری از اطلاعات یاری رساند. شرط موفقیت در این عصر، برخورداری از قابلیت‌هایی است که فرد بتواند به واسطه آنها به تشخیص نیاز اطلاعاتی بپردازد، از میان انبوه اطلاعات، مناسب‌ترین منبع اطلاعات را برای نیاز اطلاعاتی خاص خود انتخاب کند، اطلاعات مورد نیاز خود را مکان‌یابی و ارزیابی کند و در نهایت مورد استفاده قرار دهد. این‌گونه مهارت‌ها و توانایی‌ها در عبارت «سواد اطلاعاتی» خلاصه می‌شود.

نخستین بار در سال ۱۹۷۴، پی. جی. زورکوفسکی^۲ عبارت «سواد اطلاعاتی» را به کار برد. از اوایل دهه هفتاد میلادی، مفهوم سواد و

2. Zurkowski.

مهارت‌های اطلاعاتی به شیوه‌های متفاوتی تعریف و تفسیر شد. با آغاز دهه ۱۹۹۰، تعریف انجمن کتابداری آمریکا از سواد اطلاعاتی پذیرفته شد و به بحثی مهم در حوزه کتابداری تبدیل شد.

سواد اطلاعاتی بنا به تعریف انجمن کتابداری آمریکا، به مجموعه توانمندی‌هایی گفته می‌شود که «افراد به کمک آن می‌توانند زمان نیاز به اطلاعات را تشخیص دهند و به مکان‌یابی و استفاده مؤثر از اطلاعات مورد نیاز بپردازند». بنابراین فرد با سواد اطلاعاتی کسی است که: ۱. یاد می‌گیرد زمانی را که به اطلاعات نیاز دارد تشخیص دهد. ۲. می‌آموزد محیط‌های اطلاعاتی موجود را بررسی کند و بهترین منابع اطلاعاتی برای پاسخ‌گویی به نیاز اطلاعاتی و چگونگی ایجاد یک راهبرد جستجوی موفق را تشخیص دهد. ۳. می‌آموزد که اطلاعات بازیابی شده را ارزیابی کند. ۴. به منظور حل مسئله، عقاید را با هم ترکیب و سازماندهی کند و راه‌حلی برای آن نشان دهد. در واقع فرد با سواد اطلاعاتی، کسی است که یاد گرفته چگونه یاد بگیرد.

معرفی نویسندگان

نرگس خالقی عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه قم است. ایشان دارای کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شهید بهشتی تهران (۱۳۷۸) و کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۳) است. اکثر تألیفات وی در زمینه پیمایش وب و فناوری اطلاعات است. خالقی با تدریس دروس مختلفی از جمله سواد اطلاعاتی در دانشگاه و کارگاه‌های مختلف، لزوم تألیف اثری به صورت کاربردی و عملی در این زمینه را احساس کرد. **مرضیه سیامک** عضو هیئت علمی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری است. وی در سال ۱۳۸۷ کتابی با عنوان *سنجش مهارت‌های سواد اطلاعاتی پایه تألیف کرده و در این زمینه تحقیقاتی زیادی انجام داده است.*

معرفی کتاب

پژوهش‌ها نشانگر سطح سواد اطلاعاتی بسیار پایین در ایران است. این امر نگارندگان را بر آن داشت تا کتابی را به زبان ساده درباره آموزش سواد اطلاعاتی پایه تدوین نمایند. مؤلفان اثر، رویکرد کاربردی به مهارت‌های سواد اطلاعاتی داشته‌اند. شالوده و بن‌مایه این اثر، استانداردهای سواد اطلاعاتی و کتاب Learning to learn: A guide to becoming information literate نوشته آن مارلوری ادلینگ^۳ و جزوه درس سواد اطلاعاتی کالج لیک لند^۴ است.

کتاب دارای هشت فصل است.

عنوان فصل اول «چگونه آغاز کنیم؟» است. نویسندگان در ابتدای اثر خود به خوانندگان یادآوری می‌شوند که اگر انجام فعالیت‌های پژوهشی برای آنان دشوار است، به این دلیل است که طرح و برنامه مشخصی برای انجام آن نداشته‌اند؛ در حالی که با داشتن طرح و رعایت اصول اساسی در هر پژوهش، نه تنها انجام آن دشوار نیست، بلکه بسیار لذت‌بخش خواهد بود و در نهایت از خواننده درخواست می‌کنند که در نظر بگیرد که در حال انجام یک کار پژوهشی است و گام به گام مراحل پیش‌رو را طی کند، تا علاوه بر آشنایی با مراحل تحقیق، از انجام پژوهش نیز لذت ببرد.

هفت گام پژوهش

۱. نیاز اطلاعاتی خود را مشخص کنید.
۲. یک موضوع خاص را مشخص کرده و آن گسترش / بسط دهید.
۳. در زمینه موضوع خاصی که انتخاب کرده‌اید، اطلاعات اولیه‌ای به دست آورید.
۴. راهبرد جستجوی خود را توسعه دهید.
۵. اطلاعات را بیابید، جمع‌آوری کنید و سپس ارزیابی نمایید.
۶. به منابعی که برای نوشتن مطلب خود به کار برده‌اید، استناد دهید.
۷. مطلب خود را بنویسید، بازخوانی کنید و ارائه دهید.

شاید به نظر خیلی از محققان و پژوهشگران این مراحل بدیهی به نظر برسند، اما با توجه به گسترش، تنوع و انواع بسیار زیاد منابعی که در چند دهه اخیر به وجود آمده‌اند، به دست آوردن اطلاعات کار مشکلی است. در فصل اول، پس از ارائه توضیحاتی در مورد تشخیص نیاز اطلاعاتی، انتخاب موضوع، اخص کردن موضوع، در مورد کسب اطلاعات اولیه، راهبرد جستجو، کلیدواژه‌ها و واژگان مهارشده توضیحاتی ارائه می‌شود. فصول دوم تا پنجم درباره جمع‌آوری اطلاعات به محقق کمک می‌کنند. فصل ششم ارزیابی منابع، فصل هفتم چگونگی استناددهی و فصل هشتم در مورد اصول اخلاقی در پژوهش و نگارش اطلاعات ارائه می‌کند.

«انواع منابع اطلاعاتی» عنوان فصل دوم است. منظور از منابع اطلاعاتی، به طور سنتی، کتاب، مجله و روزنامه است، اما از اواخر سده پیش، انواع این منابع به شکل چشمگیری افزایش یافته است. در این فصل با انواع منابع اطلاعاتی و مزایا و معایب آنها آشنا خواهید شد. از جمله:

■ **منابع مرجع:** منابعی هستند که دانش بنیادی بشر را در موضوع‌های عمومی یا اختصاصی به صورت کتاب کاغذی یا الکترونیک در بردارند و برای سهولت بازیابی، نظم خاصی در آنها رعایت شده است. مواد مرجع شامل واژه‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها، راهنماها، اطلس‌ها، دستنامه‌ها و ... است. منابع مرجع به طور کلی به سه دسته منابع ردیف اول، منابع ردیف دوم و منابع ردیف سوم تقسیم می‌شوند.

■ **کتاب‌ها:** یکی از رایج‌ترین ابزارهای اشاعه اطلاعات است.

■ **نشریه‌های ادواری:** شامل مجموعه‌ای از مطالب که با عنوان و خط‌مشی مشخص به قصد تداوم انتشار و در شماره‌های متوالی چاپ و توزیع می‌شود. مجله‌ها و روزنامه‌ها از نشریه‌های ادواری مهم به شمار می‌آیند. در ادامه مجله‌های عمومی، مجله‌های علمی و مجله‌های با دسترسی آزاد تعریف شده‌اند.

■ **پایان‌نامه‌ها:** منابع غنی با نتایج پژوهشی ارزشمند است. حاصل کار پژوهشی و تخصصی و یکی از شرایط دریافت درجه دانشجویی کارشناسی ارشد یا دکتری است.

■ **گزارش تحقیق:** طرح پژوهشی که مراحل معمول خود را پیموده و پایان یافته باشد که در قالب گزارش تحقیقی تدوین و ارائه می‌شود.

■ **گزارش گردهمایی‌ها:** گردهمایی‌ها اعم از سمینارها، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و مانند آن معمولاً به منظور تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و مبادله یافته‌های پژوهشی و یا عرضه آراء و اندیشه‌های نوین علمی در حوزه‌ها و رشته‌های تخصصی برگزار می‌شوند.

■ **نقدها، بازنگری‌ها و بررسی‌ها**

■ **پروانه‌های ثبت اختراعات:** پروانه‌های ثبت اختراع، اسنادی هستند که به موجب آنها دولت به صاحبان اختراع اجازه داده برای مدتی محدود و به طور انحصاری از امتیاز اختراع خود بهره‌برداری کنند. اطلاعات موجود در این نوع منبع اطلاعاتی در صنعت بسیار مهم است.

■ **استانداردها**

■ **اسناد و مدارک منتشرشده**

■ **آگهی‌نامه‌ها یا خبرنامه‌ها**

■ **بریده جراید**

3. Ann Marlow Riedling.

4. Lake Land College.

5. Patent .

■ جزوه‌ها

■ مواد دیداری شنیداری

■ منابع الکترونیک

فصل سوم عنوان «جستجو در کتابخانه» را دارد. هر پژوهشگری برای انجام پژوهش خود نیازمند استفاده از کتابخانه است. پس باید با روش‌های جستجوی اطلاعات در کتابخانه آشنا باشد. در این فصل ابتدا در مورد فهرست‌های رایانه‌ای و فهرست‌های پیوسته در کتابخانه توضیح داده شده است. سپس روش‌های سازماندهی مواد در کتابخانه (رده‌بندی دهدهی دیویی و رده‌بندی کنگره) برای آشنایی، استفاده مؤثر و بازیابی مناسب اطلاعات توضیح داده شده است. در نهایت نیز نحوه جستجو در فهرست‌های پیوسته کتابخانه‌ای^۶ و انواع عملگرها به طور کامل تشریح شده است.

در فصل چهارم با عنوان «جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی» پایگاه‌های اطلاعاتی که حاوی منابع الکترونیک هستند، به طور مبسوط معرفی شده است. در ابتدا شش نکته بسیار مهم که در هنگام استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی نیاز است رعایت شوند ذکر شده است. سپس پایگاه‌ها به دو دسته کلی فارسی و خارجی دسته‌بندی شده‌اند و به طور کامل معرفی شده‌اند. در بخش پایگاه‌های فارسی، پایگاه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (www.irandoc.ac.ir)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricest.ac.ir)، پایگاه مجلات تخصصی نور (www.noormags.com)، فهرست پیوسته کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (www.nlai.ir)، فهرستگان، پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های ایران (www.lib.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (www.ensani.ir) و در بخش پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی، پایگاه اطلاعاتی ابسکو (EBSCO)، ساینس دایرکت (science direct)، امرالد (Emerald)، پروکوئست (proquest) و اشرپینگر (Springer) بررسی و معرفی شده‌اند. البته پایگاه‌ها و بانک‌ها اطلاعاتی از این تعداد بسیار بیشتر است که نویسنده معتبرترین و غنی‌ترین آنها را معرفی کرده است.

فصل پنجم «جستجو در وب» است. در حال حاضر فناوری اطلاعات و به‌ویژه اینترنت، سهم عمده‌ای در آموزش و پژوهش یافته است، به طوری که دیگر نمی‌توان تنها با استفاده از منابع چاپی پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی بود. در این فصل ابتدا با مفاهیمی چون اینترنت، تفاوت آن با وب، آدرس اینترنتی، HTML، Web Domains، وب پنهان و... آشنا می‌شویم. سپس ابزارهای جستجو در وب مانند راهنماهای وب، موتورهای جستجو، فراموتورهای جستجو و راهبردهای جستجو

۶. در این بخش نحوه جستجو در نرم‌افزار کتابخانه‌ای سیمرغ به طور کامل توضیح داده شده است.

در وب معرفی می‌شوند.

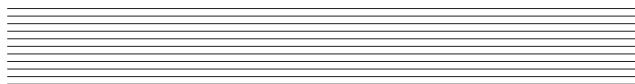
هنگامی که در حال یافتن اطلاعات چه از منابع چاپی و چه منابع الکترونیک هستیم، یک نکته بسیار مهم را باید بدانیم و آن «ارزیابی منابع اطلاعاتی» است. نویسندگان در این فصل به طور کامل چگونگی ارزیابی منابع را یادآور می‌شوند.

حال در نقطه‌ای هستیم که منابع را یافته و ارزیابی کرده‌ایم و قصد داریم در پژوهش خود از آنها استفاده کنیم. در این فصل با دو شیوه استناددهی به منابع که بسیار پرکاربرد هستند آشنا می‌شویم: شیوه APA (درون متنی) و شیوه MLA (برون متنی).

«اصول اخلاقی در نگارش و پژوهش»، عنوان فصل هشتم و آخر کتاب است. تمامی مراحل فوق بدون دانستن نکات این فصل ناقص و ابتر است. محقق در طی انجام پژوهش با مسائل و سؤالاتی روبرو می‌شوند که در این فصل مواردی همچون، حق نسخه‌برداری، استفاده منصفانه، سرقت ادبی، نقل قول و... بحث می‌شود.

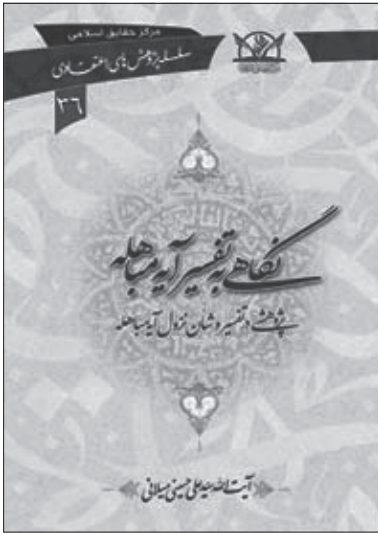
مزایای اثر

اثر حاضر به موضوع سواد اطلاعاتی پرداخته است. در ایران آثار فراوانی با این موضوع به نگارش درآمده‌اند که همگی به جنبه‌های نظری و تئوری این بحث پرداخته‌اند، اما در این کتاب نگارندگان رویکردی کاربردی داشته‌اند. کتاب با نثری ساده و روان به نگارش درآمده و وجود نمایه و واژه‌نامه در انتهای آن از نقاط قوت کتاب است. در پایان هر فصل نیز تمرین‌هایی ارائه شده که به محققان در فهم و کاربردپذیری مؤثر است. مطالعه دقیق کتاب و طی گام‌های ارائه شده در کتاب، می‌تواند شما را با سواد اطلاعاتی کند. در انتهای کتاب دو پیوست وجود دارد: ترجمه تأییدشده استاندارد قابلیت‌های سواد اطلاعاتی برای آموزش عالی و همچنین پرسشنامه سنجش سواد اطلاعاتی دانشجویان. شما با پاسخ به این پرسش‌نامه و مراجعه به پاسخنامه آن می‌توانید سطح سواد اطلاعاتی خود را بسنجید.



نگاهی به تفسیر آیه مباحله

نگاهی به تفسیر آیه مباحله: پژوهشی در تفسیر و شان نزول آیه مباحله؛ آیت‌الله سیدعلی حسینی میلانی؛ قم: انتشارات الحقایق، ۱۳۹۰، ۱۹۲ صفحه.



مقدمه

قرآن کریم، معجزه پیامبر اسلام است که پس از ۱۴۰۰ و اندی سال همچنان سرچشمه جوشان علم و معرفت است. وظیفه ما مسلمانان شناخت، تفکر و تعمق در آیات نورانی قرآن کریم است، اما از آنجا که اولاً قرآن دارای آیات و سوره‌های فراوانی است، ثانیاً به زبان عربی نازل شده و برای فارسی‌زبانان درک آن مشکل است، ثالثاً آیات قرآن دارای لایه‌ها و ابعاد گوناگون و متفاوتی است و رابعاً در طول سالیان تفسیر متفاوتی از سوی افراد مختلف نگاشته شده و شبهاتی بر آن وارد آمده است، نیاز است اهل تدبر و متخصصان در این زمینه تحقیق و بررسی کنند و حاصل پژوهش‌های خود را در اختیار عامه مردم قرار دهند. در اثر حاضر پژوهشی در تفسیر و شان نزول آیه مباحله صورت گرفته است.

آیات بسیاری از قرآن کریم بیانگر ولایت و امامت پس از رسول خدا (ص) است. یکی از این آیات، آیه مبارکه مباحله (آیه ۶۱ سوره آل عمران) است. این آیه کریمه در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است. در شأن نزول این آیه آمده است: پیامبر خدا (ص) به همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) به نزد مسیحیان رفت تا با آنها مباحله کند.

خداوند متعال در روز مباحله، حقانیت نبوت پیامبر خود را برای مسیحیان آشکار کرد و جهانیان را با مقام و منزلت حضرت علی و اهل بیت (ع) آشنا نمود. از این رو این روز از بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی به شمار می‌رود و بر هر مسلمان واجب است تا آنجا که می‌تواند شکر این نعمت را به جا آورد. به همین مناسبت در این روز (روز بیست و چهارم ذی حجه) که از روزهای شادی شیعه به شمار می‌رود، اعمال و مستحباتی چون غسل، روزه، نماز، دعا و... در کتاب‌های نگاشته شده در این باره وارد شده است.

بزرگان اهل سنت، در کتاب‌های معتبر خود به این امر اعتراف و اذعان نموده‌اند. گرچه برخی از آنان در شبهه‌پراکنی درباره این فضیلت اهل بیت (ع) کوشیده‌اند، اما علمای شیعه با پیروی از ائمه (ع) برای تبیین ولایت و امامت پس از پیامبر (ص) به این آیه استدلال نموده‌اند.

در روز مباحله بنا بود مسلمانان و مسیحیان نجران یکدیگر را نفرین کنند تا خدا آن طرف را که دروغ‌گوست عذاب کند. در سوره آل عمران آیه ۶۱ آمده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ

تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَهُ اللَّهُ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ»؛ هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را. ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود. آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

مباحله در ماه ذی‌الحجه سال دهم هجری و محل آن در روزگار پیامبر (صلوات الله علیه) در بیرون شهر مدینه بوده که اکنون داخل شهر قرار گرفته و در آن محل، مسجدی به نام «مسجد الإجابة» ساخته شده است. فاصله‌ی این مسجد تا «مسجد النبی» تقریباً دو کیلومتر است.

معنای لغوی مباحله

مباحله از ریشه «بهل» و برون «مُفَاعَلَةٌ» است. این کلمه از نظر لغت سه معنا دارد:

۱. رها نمودن و به خود وا گذاشتن.
۲. دعایی که همراه با تضرع و اصرار باشد.
۳. کم بودن آب.

معنای اصطلاحی مباحله

زمانی که دو یا چند نفر بر سر مسئله‌ای اختلاف نظر داشته باشند و هیچ کدام حاضر نباشند نظریه طرف مقابل را بپذیرند، در یک جا جمع می‌شوند و به درگاه خداوند تضرع می‌کنند و از خداوند می‌خواهند که

عساکر، احمد بن حنبل در مسند، مسلم بن حجاج در صحیح، نسائی، حاکم نیشابوری، ابن حجر عسقلانی در شرح خود به صحیح بخاری انداخته شده و تأملی در نقل‌های گوناگون عالمان اهل سنت (برای نمونه: ابن شبه، حسین بن حکم حبری، طبری، سیوطی، زمخشری، حسکانی، ابن کثیر، قاری و ...) شده است.

در بخش دوم همانطور که از عنوان آن مشخص است، تلاش‌هایی که برای پنهان و سانسورکردن اصل حدیث صورت گرفته است بررسی شده‌اند. انواع سانسورها و تحریف‌های که صورت گرفته عبارتند از: سانسور نام حضرت علی (ع)، تحریف روایت با افزودن نام عایشه و حفصه، حذف نام حضرت علی (ع) و افزودن نام برخی از صحابه، حذف نام حضرت فاطمه (ع) و افزودن نام ابوبکر و عمر و عثمان به همراه پسرانشان و

در بخش سوم دلالت‌های افراد مختلف از جمله: امام رضا (ع)، سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ اربلی، شیخ بیاضی، علامه حلی و ... بر این آیه آورده شده و در انتهای این بخش با روایات و آیات دیگر این دلالت‌ها، تقویت و اثبات شده است.

در بخش چهارم شباهت وارد شده توسط افراد مختلف مانند امام معتزلی‌ها، ابن تیمیه، ابوحیان، قاضی ایجی، ابن رزبهان، دهلوی، آلوسی، شیخ محمد عبده و ... مطرح شده و به صورت جداگانه شبیه هر یک نقد و بررسی و به آن پاسخ داده شده است.

آن کس را که بر باطل است، رسوا نموده و مورد لعن و مجازات خویش قرار دهد.

با توجه به معنای اصطلاحی مباحله، ماده اصلی مباحله هم می‌تواند «بهل» به معنای «رهانمودن و به خود واگذاشتن باشد» و هم «بهل» به معنای «دعای همراه با اصرار و تضرع»؛ زیرا در مباحله هر یک از طرفین برای طرف مقابل خویش درخواست لعن می‌کند و لعنت خدا چیزی غیر از به خود واگذاشتن و محرومیت از رحمت خدا نیست. از این جهت، مباحله با معنای اول سازگار است و از آن جهت که مباحله دعایی معمولی نیست و بلکه همراه با تضرع و اصرار است، با معنی دوم هماهنگ است.

معرفی نویسنده

نویسنده کتاب حاضر، آیت‌الله سیدعلی حسینی میلانی و ناشر آن مرکز تحقیق اسلامی است. آیت‌الله میلانی مدیریت بنیاد فرهنگی امامت را نیز عهده‌دار هستند و تألیفات فراوانی نیز تاکنون داشته‌اند. در سایت <http://www.almilani.com> می‌توان متن کامل تألیفات و پرسش و پاسخ، دروس، زندگینامه و بسیاری مطالب مفید دیگر را از ایشان یافت. در سایت <http://www.emamat.ir> نیز مقالات و مطالب فراوان و گوناگونی در زمینه امامت و پاسخ‌گویی به شبهات و ... ارائه شده است.

معرفی کتاب

کتاب پیش رو نگاهی به تفسیر این آیه مبارکه دارد و با تکیه بر روایات موجود در منابع اهل سنت، به تبیین ولایت و امامت بعد از رسول خدا (ص) پرداخته و در لابلای بحث به ذکر کلمات حافظان بزرگ آن می‌پردازد.

این پژوهش در چهار بخش سامان یافته است:

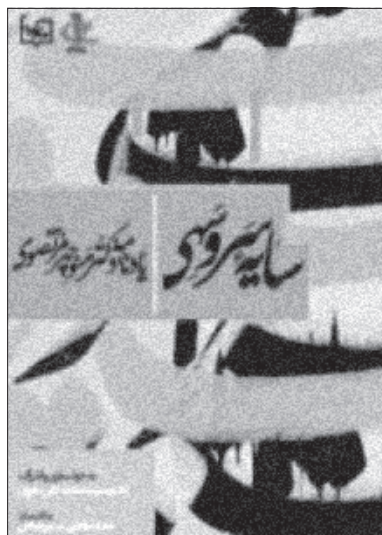
بخش یکم: آیه مباحله و شأن نزول آن.

بخش دوم: تلاش‌های بیهوده و دروغ‌های عجیب و غریب.

بخش سوم: دلالت آیه مباحله بر امامت.

بخش چهارم: آیه مباحله و پاسخ به شبهات مخالفان.

در بخش اول مؤلف پس از ذکر آیه و معنی و شأن نزول آن، نام ۲۴ راوی این حدیث از بزرگان صحابه و تابعین که در منابع غیر شیعی از آنها یاد شده است ذکر و به نمونه‌هایی از این روایات از زبان صحابه اشاره می‌کند. مفسران، متکلمان، محدثان و تاریخ‌نگاران بزرگ عرصه دانش‌های حدیثی، تفسیری، کلامی و تاریخی در قرون مختلف در کتاب‌های خود حدیث مباحله را (چه با ذکر سند و چه به دلیل مسلم انگاشتن آن بدون ذکر سند) به اتفاق روایت کرده‌اند. در ادامه نام ۵۲ نفر از مشهورترین آنان در بخشی با عنوان «روایان حدیث مباحله از بزرگان تفسیر و حدیث» پیش روی خواننده قرار می‌گیرد. سپس نگاهی به متن حدیث مباحله در کتاب‌های معتبر از جمله: به روایت ابن



سایه سرو سهی

سایه سرو سهی؛ یادنامه دکتر منوچهر مرتضوی؛ محمد طاهری؛ چاپ اول، تبریز: ستوده، ۱۳۹۱.

۱. انتشارات «ستوده» تبریز امسال کتابی منتشر کرده است با عنوان سایه سرو سهی. این کتاب یادنامه استاد استادان، دکتر منوچهر مرتضوی است که به خواست دکتر سید محمد تقی علوی رئیس پیشین دانشگاه تبریز و به کوشش آقای محمد طاهری خسروشاهی تهیه شده است.

کتاب پس از مقدمه پنج بخش دارد:

الف) درباره استاد. **ب)** شعر. **ج)** مقالات اهدایی. **د)** سخنرانی. **ه)** اسناد و تصاویر.

بخش نخست خاطراتی از شاگردان استاد بزرگ است که امروز هر کدام استاد و صاحب‌نظر شده‌اند. در میان مقالات این بخش اطلاعات گران‌قیمتی از شخصیت و منش و حالات و روحیات و فضل و فضیلت استاد کم‌نظیر ماست که در میان آنها مقاله دکتر منیره پویای ایرانی (ماه در چشمه)، دکتر منصور ثروت (به یاد استاد)، دکتر احمد گلی (لانه خالی سیم‌رغ)، دکتر معصومه معدن‌کن (درس استاد) و بیوک نیک‌اندیش (به صد چراغ نیابیم آنچه گم کردیم) رنگ و بویی دیگر دارند. در بخش دوم این نوشتار به چند نکته در این مورد اشاره خواهد شد.

در بخش دوم (بخش اشعار) شعر استاد مفتون امینی با عنوان «خزان و خاطره‌ها»، سخنی است سرشار از احساس و عاطفه و چامه‌ای است ماندگار، به یاد و یادگار آن عزیز از دست‌رفته. بعضی ابیات آن در اوج شکوه و زیبایی‌اند:

... به یاد آن همه ایام خوش که رفت به باد
چه دیر بود و چه کم بود، قدردانی ما
خوشا حکایت آن عصرهای بارانی
گشوده بر سر هم چتر مهربانی ما...
هدر شد آن همه پاکي، تبه شد آن همه ذوق
اسیر خاک شد آن روح آسمانی ما

جدا شدیم زهم سالهای سال و گرفت
غبار تیره غم، عشق ارغوانی ما...

نمی‌رسد سخن صد بهار و صد پاییز
به سرگذشت دل انگیز داستانی ما

قسم به یاد عسلوی کوچه باغ بهار
که رفت موسم شیرین گل فشانی ما

چه دیده می‌شود اکنون به جز دو بوته زرد
ز پشت پنجره در کلبه خزانی ما

خزان و خاطره با هم چه عالمی دارند
چه با صفاست خدایا بهار ثانی ما

و شعر جناب آقای حسین مهرنگ هم‌کلاس دیرین من که مورد پسند استاد بزرگ نیز بوده شعری است ارجمند و ارزشمند:

... ای شیر پیر بسته به صد زنجیر
ای شاهباز عرصه معناها
ای یوسف فکنده به چاه اندر
ای آرزوی قلب زلیخاها...
ما دوزخی پر از شرر و دودیم
تو مینوی نهفته به میناها...

۳. مقاله «گفتمان شریعت و طریقت...»، دید و دریافت تازه‌ای است از تمثیل «موسی و شبان» در مثنوی که در آن نویسنده، موسی را نماینده‌ی اهل شریعت و شبان را نماد اهل طریقت دانسته است و در تفاوت این دو نگرش با تکیه بر منابع عرفانی مطالب دقیق و تازه و ارزشمندی آورده است که دست کم این‌گونه آکادمیک و علمی در منابع دیگر نیست. فقط آنچه از نظر نویسنده فاضل مغفول مانده، مراجعه به توضیح و تبیین دکتر سروش در کتاب قمار عاشقانه است که در آنجا مطالب مبسوطی درباره‌ی این تمثیل هست. دوم در معرفی منابع این مقاله تسامحاتی دیده می‌شود. برای مثال حافظ در حرف «خ» این‌گونه معرفی شده است:

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، به اهتمام محمد قزوینی، دکتر قاسم غنی. کتابفروشی زوار.

که صورت درست آن باید چنین باشد:

حافظ، شمس الدین محمد: دیوان، تصحیح علامه محمد قزوینی، دکتر قاسم غنی (= محمد قزوینی، قاسم غنی)، تهران، زوار، بی تا (= بدون تاریخ).

۳. ارزش ویژه‌ی این کتاب در اشاره به شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی رادمرد والایی است که به راستی استادی «جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود» و من این را از نزدیک در وجود گرامی آن ابرمرد دیدم. چیزی که مانند روز برایم روشن است و هیچ تردیدی در آن ندارم، این است که امثال مرتضوی و خانلری اگر پستی و ریاستی در رژیم پیشین پذیرفته بودند، صرفاً برای خدمت به اعتلای فرهنگی کشور و فضل و فضیلت و احقاق حقوق اهل قلم و اندیشه و حمایت از آنان. در حدّ وسع و توانشان. بوده که البته لیاقت کامل این کار را نیز خداوند متعال بر آنان ارزانی فرموده بود. همه می‌دانیم که وقتی مهدی اخوان ثالث در زندان بوده است، با تدبیر و دوراندیشی استاد خانلری از طرف بنیاد فرهنگ آن روز کتابی برای تصحیح به زندان فرستاده می‌شود تا حق تصحیح آن به خانواده‌ی اخوان پرداخت شود. مرتضوی نیز از کمترین فرصت‌ها برای خدمت به دانش و فرهنگ ایران سود برد. یکی از ویژگی‌های آن بزرگوار تشخیص ضرورت‌ها در عرصه دانش و تحقیق و فرهنگ بود. او اشغال آذربایجان توسط عمال شوروی را که به «حکومت ملی» معروف است به یادداشت و با تألیف کتاب زبان دیرین آذربایجان به زبان و بیانی فخیم و منطقی و متین به کوردلان تجزیه جویی که زبان ترکی را بهانه‌ی اندیشه‌های پلید خود قرار داده بودند، فهماند که زبان آذربایجان قبل از عصر صفوی زبان «آذری» - یکی از گویش‌های زبان فارسی - بوده و اصطلاح «زبان ترکی آذری»، اصطلاحی است غلط. «زبان کنونی آذربایجان» هر چند استخوان‌بندی و ترکیب و شکل اعضایش ترکی است، اما رگ و پی و خون و گوشت

بخش سوم حاوی مقالات تحقیقی اهداشده به حضرت استاد است. این بخش پربارترین بخش کتاب است، به ویژه این مقالات:

۱. واژه «سپنج» و کاربرد آن: دکتر ژاله آموزگار

۲. با علامه قزوینی در جهانگشای جویی: دکتر رضا انزایی نژاد

۳. بهترین بخش‌های شاهنامه کدام‌اند؟: دکتر حسن انوری

۴. پیر گلرنگ: دکتر رشید عیوضی

۵. چند نکته درباره‌ی مرزبان‌نامه: دکتر فتح‌الله مجتبابی

۶. پرتقلیدترین بیت فردوسی: دکتر سجاد آیدین‌لو

۷. گفتمان شریعت و طریقت در تمثیل موسی و شبان: دکتر علی‌رضا مظفری

استخراج نکات همه‌ی مقالات در این مختصر ممکن نیست. تنها به ذکر سه نکته اکتفا می‌کنم:

۱. در مقاله «پیر گلرنگ» که در صفحات ۵۶۷ تا ۵۷۴ آمده است. دکتر رشید عیوضی، یار دیرین حضرت استاد، پس از ذکر دیدگاه‌های محققان پیشین درباره‌ی «پیر گلرنگ»، در بیت معروف حافظ (= پیر گلرنگ من اندر حق ازرق پوشان / رخست خبث نداد ار نه حکایتها بود) نظر جدیدی ارائه داده است. به نظر ایشان «گلرنگ» در این بیت معنای لغوی خود را دارد: «گل مثال و گل سیرت؛ یعنی پیری که هم ظاهر او مانند گل است و هم باطن او و چنین پیری جز پیر مغان نمی‌تواند باشد که از لحاظ صورت ظاهر همچون گل «خرم» و «خندان» است:

دیدمش خرم و خندان قلدح باده به دست

واندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد...

۲. مقاله دکتر سجاد آیدین‌لو در صفحه ۸۹ و بعد (پرتقلیدترین بیت فردوسی در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه) درباره‌ی بیت بسیار معروفی از شاهنامه است:

نجویم بر این کینه آرام و خواب

من و گرز و میدان افراسیاب

ایشان این بیت را «پرتأثیرترین سروده فردوسی» و مورد توجه و تقلید سرایندگان منظومه‌های پهلوانی دانسته‌اند و برای این ادعا ادله و شواهد کافی با ذکر دقیق منابع آورده‌اند. اینجا فرصت را مغتنم شمرده و عرض می‌کنم که مقالات و کتاب‌های دکتر آیدین‌لو که تا امروز توفیق زیارت او برایم حاصل نشده است، کاملاً تحقیقی و پربار و نمونه‌ی تمام عیار تحقیقات عمیق آکادمیک است و شعر مولانا درباره‌ی ایشان صادق:

ای بسا ریش سیاه و مرد پیر

ای بسا ریش سفید و دل چو قیر

نمی‌نویسید؟ فرمودند پرداختن به مسائل جانبی در پیرامون حافظ کار چندان سختی نیست، اما شرح نوشتن بر اشعار وارد گود شدن است و محقق باید خیلی مواظب باشد و به همین دلیل است که شارحان حافظ اشتباهات زیاد و عجیب و غریب نیز دارند. همان جا پرسش دوم را به زبان آوردم، البته پرسشی در حال و هوای آن روز و روزگار: به نظر شما آیا حافظ شراب می‌خورده است؟ نگاهی ژرف و طولانی به چشمانم دوخت و بعد از سکوتی ممتد و معنی‌دار سخنی فرمود که مضمون آن سخن استاد خرمشاهی را در خاطرمد تداعی کرد: «حافظ انسان کامل نیست، کاملاً انسان است».

پرداختن به خاطرات شخصی و خصوصی دامنه سخن را دراز می‌کند. با یک نکته این مقاله را به پایان می‌برم و آن نقل قول سخن فاخر و ارجمند آقای کریم فیضی هم‌زبان عزیز است: «... استاد مرتضوی سه دهه پایانی عمر خویش را در زادگاه خویش و در نهایت غربت زیست ... این مرد شریف کوله‌باری از دانش و فضیلت و آگاهی و دانایی را بر پشت خویش نهاد و به خانه‌اش کوچید... او حلاج‌وار به مصاف واقعہ رفت. با این فرق که شطح نگفت و دشمن خشمگین را خشمگینی‌تر نکرد، بلکه به سکوت آویخت و با سکوت خویش موازنه‌ها را بر هم زد و شرایطی نو پدید آورد... مهم‌تر از آثار او کتاب بزرگ موجودیت اوست که نمی‌توان نخوانده و نادیده گرفت... او با بزرگی و بزرگ‌منشی ابن سینا وار، به سادگی از کنار آلام و مصائب گذشت... او مردی است در ردیف فردوسی و دیگر بزرگان تاریخ ایران که تاریخ به آنها شکل می‌گیرد و تنظیم می‌شود... به مدت سه دهه، فرهیختگان این کشور، تبریز و آذربایجان را با نام او شناخته‌اند و همین در فضیلت او بس...» (ص ۷۹۹ تا ۸۰۳)

و بالاتر از همه روحش ایرانی و آذری است و بقایا و مواد و تعبیرات و اصطلاحات زیبای زبان دیرین آذربایجان هنوز در زبان کنونی که به غلط لهجه ترکی می‌خوانند باقی است. کتاب ارجمند مکتب حافظ نیز از تیزهوشی و موقعیت‌شناسی آن دانشی‌مرد در عرصه‌های تحقیق و پژوهش حکایت دارد. او این کتاب را هنگامی نوشت که از این همه آثار در عرصه حافظ‌پژوهی خبری نبود. ایشان در روزگار بازنشان‌دگی و انزوا چندین بار آن کتاب را تکمیل کرده و مباحث تازه‌ای به آن افزود. این کتاب هنوز هم یکی از مهم‌ترین منابع حافظ‌شناسی و از اهمیت والایی برخوردار است. کتاب فردوسی و شاهنامه ایشان «به لفظ اندک و معنی بسیار»، از مهم‌ترین منابع فردوسی‌شناسی و کلید فهم شاهنامه است. مطلب مهم دیگر در زندگی استاد استعفای مصرانه او در یورش گارد شاهنشاهی به دانشگاه تبریز، در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۱۸ و سخن شهامت‌آمیز و دلیرانه او به ارتشبد شفقت و همراهانش است: «آقایان به قتلگاه دانشگاه آذرآبادگان خوش آمدید». او به دلیل استعفا به تهران رفت و با پافشاری خاصی می‌زیاست را رها کرد و ثابت کرد که شیفته خدمت است نه تشنه قدرت. این کار در آن روزگار که کسی مطمئن نبود رژیم به زودی سقوط می‌کند، حکایت از آزادگی و پابندی به حق و عدالت این مرد بزرگ می‌کند.

آری این استاد بزرگ در دل و جان و ذهن و ضمیر شاگردانش و تمام علاقه‌مندان حافظ و مولانا و فردوسی تا روز قیامت خانه دارد. در یکی از روزها، استاد در ضلع شمال شرقی دانشکده ادبیات ایستاده بود و درست در همین موقع، متجاوزان بعثی بمبی به پالایشگاه تبریز انداختند و در حالی که دود فراوان و صدای هراس‌انگیز آن را می‌دیدیم و می‌شنیدیم، از استاد پرسیدیم: چرا شما شرحی بر دیوان حافظ